

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضری که بحث در مورد حجیت قول لغوی بود؛ عرض شد مرحوم آخوند مقدمه ای را ذکر می کند و در پایان مقدمه، داخل بحث قول لغوی می شود.

مراد از قول لغوی: اگر شما شک کردید در موضوع له یک کلمه - منشاء شک به خاطر این است که شخص واژه را نمی داند و یا عرب نیست - و به سراغ کتب لغت رفتید مثلاً به مصباح المنیر رجوع کردید و آن لغت نامه را سند قرار دادید این رجوع به قول لغوی محسوب می شود.

نکته اول: مراد ما از قول لغوی جایی نیست که شخص به 20 کتاب لغت رجوع کند و به اطمینان برسد.

نکته دوم: بحث ما بر فرض انفتاح باب علم است و الا اگر انسدادی شدیم و هر ظنی را حجت دانستیم دیگر به عنوان ظن خاص مطرح نخواهد شد.

مرحوم آخوند: 4 مطلب در اینجا دارد:

ایشان می فرماید: حجیت قول لغوی در تعیین موضوع له به مشهور نسبت داده شده است پس معلوم می شود بحث در تعیین معنای مستعمل فیه نیست. مطلب دوم: مشهور برای اثبات اندیشه خودشان چند دلیل آورده اند.

استاد علیدوست: من شمارش کردم چهار دلیل آورده اند.

دلیل اول: اتفاق همه عالمان و عاقلان: همه عقلا و علما وقتی به مشکلی بر می خوردند به لغت رجوع می کنند حتی در مقام احتجاج هم این رجوع وجود دارد و کسی هم به این کار عقلا و علما اعتراض نمی کند.

استاد علیدوست: اگر بخواهیم بین اتفاق علما (سیره) و اتفاق عقلا (بنای عقلا) فرق بگذاریم دلیل فوق را می شود دو دلیل به حساب آورد. از اینکه مرحوم آخوند از اتفاق علما به سیره تعبیر نکرده متوجه می شویم که ایشان می خواستند اتفاق علما و عقلا را یک دلیل تلقی کند.

دلیل دوم: اجماع؛ مرحوم سید مرتضی برای حجیت قول لغوی ادعای اجماع کرده است.

نکته: فرق اجماع با اتفاق علما این است که مراد از اجماع، همان اجماع قولی است اما مراد از اتفاق علما روش و منهج عملی علماست.

دلیل سوم: لغوی در فن خودش متخصص است و مراجعه به متخصص لازم است پس مراجعه به لغوی لازم است.

دلیل چهارم: اگر به لغوی مراجعه نکنید انسداد پیش می آید؛ کدام فقیه، از مراجعه به لغت بی نیاز است؟ توضیح: اگر شارع حکیم قول لغوی را حجت نمی کرد بسیاری از احکام استنباط نمی شد و دست فقیه کوتاه می شد و برای اینکه چنین انسدادی پیش نیاید شارع مقدس قول لغوی را به خصوص حجت کرد.

مطلب سوم: نقد ادله مشهور

نقد دلیل اول: ان الاتفاق لو سلم اتفاهه غیر مفید، مع ان المتیقن منه هم رجوع الیه مع اجتماع شرائط الشهاده من العدد و العداله.

اولاً: اتفاقی که شما ادعا می کنید از کجا می گوید این ادعا درست است؟ فرضاً هم که این ادعا درست باشد باز هم فایده ندارد، چرا که این اتفاق باید امضاء معصوم را به همراه داشته باشد.

وثانیاً: رجوع به لغوی در صورت اجتماع شرائط شهادت، متیقن است؛ عدالت و عدد و جنسیت و... در شرایط شهادت معتبر

أست.

استاد علیدوست: مرحوم آخوند می فرماید: شاید رجوع به لغوی از باب شهادت (اخبار عن حس یا قریب عن الحسن) باشد لذا این شرایط می آید اما اگر از باب شهادت نباشد آن شرایط لازم نیست.

الحمد لله رب العالمین